

Lived experiences of adolescents with post-traumatic stress disorder caused by Sarpol-e Zahab earthquake: a phenomenological study

Ahmad Amani¹, Jafar Ghaitasi²

1-Associate Professor, Department of Counseling, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

2- MSc, Department of Counseling, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran (Corresponding Author).

E-mail: Jafarghaitasi@gmail.com

Received: 20/02/2022

Accepted: 15/06/2022

Abstract

Introduction: Earthquake is one of the most important natural disasters that in addition to the destructive material effects, it also brings adverse psychological consequences for the victims; one of the most important of them is post-traumatic stress disorder.

Aim: The aim of this study was to investigate the lived experiences of adolescents with post-traumatic stress disorder caused by Sarpol-e Zahab earthquake.

Method: The method of the present study was qualitative and with a descriptive phenomenological strategy. The statistical population of the study was adolescents with post-traumatic stress disorder caused by Sarpol-e Zahab earthquake in 2021. The sample consisted of 15 earthquake-stricken adolescents aged 13-19 years old with post-traumatic stress disorder who were selected by purposive sampling. The research tool was in-depth and semi-structured interviews. The obtained data were also analyzed by Colaizzi method.

Results: Participants' citations were recorded, analyzed and coded by Colaizzi method, and finally 83 primary codes (semantic unit), 4 main themes (themes) and 25 sub-themes (categories) were obtained. The main themes included: sudden disruption of life, psychological problems, disorder in communication functions (social / family) and challenges related to spirituality.

Conclusion: The findings of this study showed that adolescent's victims of earthquakes experience various crises and problems in different aspects of life such as: mental health, family and social life and spirituality, which need attention, and professional and specialized support.

Keywords: Lived experience, Adolescents, Earthquake, Post-traumatic stress disorder

How to cite this article: Amani A, Ghaitasi J. Lived experiences of adolescents with post-traumatic stress disorder caused by Sarpol-e Zahab earthquake: A phenomenological study. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2022; 9 (3): 16-30. URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1456-en.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and build up the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

تجارب زیسته نوجوانان با اختلال استرس پس از سانحه ناشی از زلزله سرپل ذهاب: یک مطالعه پدیدارشناختی

احمد امانی^۱، جعفر قیطاسی^۲

۱. دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

۲. کارشناس ارشد، گروه مشاوره، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (مؤلف مسئول). ایمیل: Jafarghaitasi@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

چکیده

مقدمه: زلزله یکی از فجایع طبیعی مهم است که علاوه بر تأثیرات مخرب مادی، پیامدهای نامطلوب روانشناختی را نیز برای قربانیان به ارمغان می‌آورد که یکی از مهم‌ترین آنان اختلال استرس پس از سانحه است.

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی تجارب زیسته نوجوانان با اختلال استرس پس از سانحه ناشی از زلزله سرپل ذهاب انجام گرفت.

روش: روش پژوهش حاضر کیفی و با راهبرد پدیدارشناسی توصیفی بود. جامعه آماری پژوهش نوجوانان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه ناشی از زلزله سرپل ذهاب در سال ۱۴۰۰ بود. نمونه پژوهش شامل ۱۵ نوجوان زلزله‌زده ۱۳-۱۹ سال مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه بود که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته بود. اطلاعات بدست آمده نیز با شیوه تحلیل کلایزی انجام گرفت.

یافته‌ها: نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان با روش کلایزی ثبت، تحلیل و کدگذاری شد و در نهایت ۸۳ کد اولیه (واحد معنایی)، ۴ مضمون اصلی (تم) و ۲۵ مضمون فرعی (مقوله) بدست آمد. مضمون‌های اصلی شامل؛ از هم پاشیدگی ناگهانی زندگی، مشکلات روانشناختی، نابسامانی در کارکردهای ارتباطی (اجتماعی/خانوادگی) و چالش‌های مربوط به معنویت بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش بیانگر این بود که نوجوانان قربانی زلزله تا سال‌ها پس از آن اتفاق بحران‌ها و مشکلات مختلفی را در ابعاد مختلف زندگی از قبیل؛ سلامت روانشناختی، زندگی خانوادگی و اجتماعی و معنویت تجربه می‌کنند که نیازمند توجه و حمایت‌های حرفه‌ای و تخصصی است.

کلیدواژه‌ها: تجربه زیسته، نوجوانان، زلزله، اختلال استرس پس از سانحه

مقدمه

ایران یکی از کشورهای زلزله‌خیز جهان محسوب می‌شود و در دهه‌های اخیر زلزله‌های هولناکی را تجربه کرده است که یکی از این زلزله‌ها که خسارات فزاینده‌ای را به بار آورد زلزله سرپل ذهاب بود. براساس مشاهدات میدانی و گزارش‌های بدست آمده از ساکنان و کارشناسان اجتماعی مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه با مرکزیت سرپل ذهاب، خرابی‌ها و شرایط بحرانی ناشی از زلزله بعد از گذشت بیش از سه سال، همچنان به حالت عادی بازنگشته و شرایط زندگی زلزله‌زدگان همچنان نامطلوب گزارش می‌شود. شهرستان سرپل ذهاب بحران‌زده‌ترین شهرستان ایران در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. شدت زلزله‌ای که در این شهرستان اتفاق افتاد ۷/۳ ریشتر بود و تعداد کل جان‌باختگان این زلزله ۶۲۱ نفر و تعداد مجروحان در حدود ۹۳۸۸ نفر گزارش شدند و حدود ۷۰۰۰۰ نفر نیز بی‌خانمان شدند (سلیمی و نادری، ۱۳۹۹). حوادث پس از زلزله مانند؛ بارندگی‌های شدید، فقدان اسکان اضطراری مناسب، استاندارد نبودن چادرها در برابر سرما و گرما، آسیب‌های اجتماعی و افزایش فقر، افزایش قیمت مصالح ساختمانی و ... شرایط را برای زلزله‌زدگان بغرنج‌تر کرده است (الیاسی، ۱۳۹۸).

بیشتر مطالعات نشان داده‌اند که پس از مواجهه با زلزله، میزان اختلالات مختلف روانشناختی مانند؛ اختلال استرس پس از سانحه^۱، افسردگی، اختلالات خواب، سوءمصرف مواد و اختلالات اضطرابی افزایش می‌یابد (نیشتها و بایجو^۲، ۲۰۲۱). در این بین اختلال استرس پس از سانحه شایع‌ترین اختلال روانشناختی پس از وقوع زلزله است (وانگ، شی، چن^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). اختلال

استرس پس از سانحه به اختلال شدید در سلامت روان گفته می‌شود که به وسیله تجربه مجدد و مداوم اجتناب، بیش‌انگیزگی و نشانه‌های شناختی و هیجانی در پاسخ مستقیم و یا غیرمستقیم مواجه شدن با محرک‌های مربوط به حادثه تروماتیک مشخص می‌شود (سادوک و رویز^۴، ۲۰۱۵). برای تشخیص اختلال استرس پس از سانحه براساس معیارهای ویرایش پنجم تشخیص و ارزیابی اختلالات روانی^۵، علاوه بر تجربه حداقل یک یا چند رویداد که شامل مرگ یا تهدید به مرگ، جراحت شدید یا تهدید به نقض جسمی است، فرد می‌بایست این حادثه را یا خودش به صورت مستقیم تجربه کرده باشد، یا شاهد این حادثه در افراد دیگر همان‌گونه که برای آن‌ها رخ داده است، باشد، یا از حادثه ناگوار و خشن که برای اقوام یا دوستان نزدیک او رخ داده مطلع شود و یا به صورت مکرر در معرض جزئیات آزار دهنده یک حادثه تروماتیک باشد، همچنین باید حداقل یکی از علائم معیار B مانند؛ تکرار ناخواسته خاطرات ناراحت کننده، یکی از موارد معیار C که مربوط به اجتناب مکرر از یادآوری-های مرتبط با واقعه آسیب‌زا است، حداقل دو علامت از موارد معیار D که مربوط به تغییرات منفی در افکار و خلق‌وخو که به دنبال تجربه واقعه تروماتیک بوده باشد، حداقل دو علامت از معیار E که مربوط به تغییرات در برانگیزگی به دنبال تجربه واقعه تروماتیک بوده باشد را تجربه نماید و این علائم بیش از یک ماه ادامه داشته باشد (انجمن روانشناسی آمریکا^۶، ۲۰۱۳). شیوع بالای اختلال استرس پس از سانحه در زلزله‌زدگان در حالی است که این اختلال در برخی از گروه‌های آسیب‌پذیرتر مانند نوجوانان، دارای گستردگی بیشتری است. نوجوانان به

^۴- Sadock & Ruiz

^۵- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5)

^۶- American Psychiatric Association

^۱- Post-Traumatic Stress Disorder

^۲- Nishtha & Baiju

^۳- Wang, Shi & Chen

در راستای بهبود نحوه مواجهه با نوجوانان آسیب‌دیده از زلزله و حوادث طبیعی دیگر در زمان حادثه، پس از حادثه و دوران بازسازی باشد؛ لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی تجارب زیسته نوجوانان با اختلال استرس پس از سانحه ناشی از زلزله سرپل ذهاب انجام گرفت.

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش پدیدارشناسی با رویکرد توصیفی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی نوجوانان با ترومای پس از سانحه ناشی از زلزله در سرپل ذهاب در سال ۱۴۰۰ بود. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر با روش هدفمند انجام گرفت و تا حد اشباع نظری داده‌ها ادامه پیدا کرد و تعداد ۱۵ نفر پس از احراز شرایط ورود به پژوهش و رضایت شخصی مورد مصاحبه قرار گرفتند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، قرار داشتن در بازه سنی ۱۳-۱۹ سال، تجربه مستقیم زلزله و داشتن علائم اختلال استرس پس از سانحه (با تشخیص روانشناس). معیارهای خروج از پژوهش نیز شامل: عدم تمایل فرد جهت شرکت در پژوهش، عدم تجربه مستقیم زلزله، نداشتن علائم اختلال استرس پس از سانحه با تشخیص روانشناس و عدم آسیب دیدگی جسمی شدید. تک تک مصاحبه‌ها در اتاقی آرام انجام گرفت و تمامی آن‌ها به صورت کامل و با رضایت مشارکت‌کننده ضبط شد و بلافاصله پس از اتمام آن به صورت کامل و دقیق نوشته شد. پس از نوشتن مصاحبه از روش مقبولیت داده‌ها استفاده شد؛ به این معنی که به منظور رفع ابهام در کدگذاری، متن مصاحبه با همکاری خود مشارکت‌کننده مرور شد. همچنین از اشباع داده‌ها برای ارتقاء اعتبار مصاحبه استفاده شد و با جمع‌آوری سیستماتیک داده‌ها و

علت شرایط سنی خاص و عدم رشد راهبردهای مقابله‌ای در مواجهه با صدمات روانشناختی ناشی از زلزله بیشتر در معرض آسیب‌های روانشناختی و اجتماعی بوده و عملکرد آنان در حوزه‌های مختلف زندگی مختل می‌شود (سلیمی و نادری، ۱۳۹۹).

اغلب پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون زلزله سرپل ذهاب به مطالعه چالش‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تاب‌آوری زلزله‌زدگان پرداخته‌اند و مطالعه پدیدارشناسی نوجوانان به عنوان یک گروه آسیب‌پذیر مورد غفلت گرفته است. به عنوان مثال سلیمی و نادری (۱۳۹۹) در پژوهشی تجربه زیسته زنان سرپل ذهاب را مورد بررسی قرار دادند. در مطالعه‌ای دیگر کرمخانی و همکاران (۱۳۹۹) به تحلیل تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از زلزله استان کرمانشاه پرداختند. میهن‌دوست و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی رابطه علی بین حافظه فعال، اضطراب و افسردگی با میانجیگری سرسختی روانشناختی در افراد مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه در زلزله سرپل ذهاب را مورد بررسی قرار دادند. این در حالی است که مطالعه پدیدارشناسی نوجوانان با اختلال استرس پس از سانحه به عنوان شایع‌ترین اختلال روانشناختی پس از زلزله، نه تنها بر دانش موجود در تمامی ابعاد روانی، اجتماعی، خانوادگی، معنوی و بین فردی می‌افزاید، بلکه بستری فراهم می‌آورد برای خدمات‌رسانی حرفه‌ای به بازماندگان بلایای طبیعی؛ به عبارت دیگر محققان پژوهش معتقد هستند که فجایع طبیعی می‌تواند بر زندگی روانشناختی نوجوانان تأثیرات گسترده‌ای بگذارد که برای کشف و درک بیشتر، شنیدن هدفمند روایات و تجربیات آسیب‌دیدگان این بلایا می‌تواند بسیار مهم باشد و موجب بهره‌گیری از این تجارب

مشترک استخراج شد. در مرحله چهارم دسته‌بندی معانی فرمول‌بندی شده انجام گرفته و معانی و مضامین مشترک در دسته‌بندی‌های متفاوت طبقه‌بندی شد. سپس برای هر یک از این طبقه‌ها یک عنوان خاص داده شد که مضمون‌های فرعی را تشکیل می‌دادند. مضمون‌های فرعی در واقع معنایی است که محقق به کدهای توصیفی می‌دهد. در مرحله پنجم مضمون‌های فرعی جمع‌بندی شدند. در واقع مضمون‌های فرعی در ارتباط باهم و در کنار یکدیگر قرار گرفتند. مرحله ششم، پس از جمع‌بندی مضمون‌های فرعی، مضمون‌های اصلی تبیین شدند و در مرحله آخر جهت اعتباریابی یافته‌های مستخرج، از بازگشت و اعتبارسنجی استفاده شد و کدگذاری بدست آمده همراه با نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان در اختیار تعدادی از مشارکت‌کنندگان و صاحب‌نظران قرار گرفت.

ابزار

مصاحبه نیمه ساختار یافته: در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته محقق ساخته استفاده شد. سؤالات مصاحبه با تکیه بر مبانی پژوهشی و تئوری موجود و به‌صورت باز پاسخ طراحی شد و پس از بررسی محتوای سؤالات، برخی از آن‌ها ویرایش و برخی حذف شدند و در نهایت با تأیید سه نفر از اساتید روانشناسی، روایی صوری و منطقی آن‌ها بدست آمد. جهت ارزیابی قابلیت اعتبار ابزار نیز در طول فرآیند کدگذاری همواره دقت می‌شد که از صحت و درستی مضامین بدست آمده و تفسیر معانی اطلاعات، اطمینان حاصل شود. به همین منظور تلاش می‌شد تا با ارزیابی چند باره مضامین و تفاسیر مفهومی و رجوع مجدد به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، از حقیقی بودن اطلاعات بدست آمده و اینکه این اطلاعات بازتاب اهداف پژوهش و واقعیت اجتماعی مشارکت‌کنندگان

با رعایت بی‌طرفی و استفاده از نظرات اساتید روانشناس و مشاور درباره مصاحبه‌ها، کدها و دسته‌بندی کدهای مشابه، به‌منظور مقایسه آنچه پژوهشگران برداشت کرده‌اند با آنچه که مشارکت‌کنندگان اظهار کرده‌اند، جهت قابلیت تعیین تأیید داده‌ها استفاده شد. به‌منظور رعایت کامل ملاحظات اخلاقی، اهداف پژوهش به‌صورت کامل به مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد و با اخذ رضایت کامل آنان مصاحبه‌ها ضبط شد. همچنین بر محرمانه بودن اطلاعات تأکید شد و به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که مصاحبه‌ها به‌هیچ‌وجه در اختیار کسی قرار نخواهد گرفت و پس از اتمام پژوهش حذف خواهد شد. همچنین مصاحبه‌شوندگان قادر بودند در هر مرحله از پژوهش که تمایل به ادامه همکاری نداشته باشند، پژوهش را ترک کنند.

اطلاعات بدست آمده با استفاده از روش کلایزی^۱ (۱۹۷۸) تحلیل شدند. این روش شامل هفت مرحله است و هم‌زمان با گردآوری داده‌ها انجام می‌گیرد. در مرحله اول مصاحبه‌ها پس از ضبط، کلمه به کلمه نوشته شد و مفاهیم استخراج شده چند بار با دقت بازخوانی شد. این عمل به‌منظور کسب یک درک کلی از تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان انجام شد. در مرحله دوم متن نوشته شده مصاحبه‌ها به واحدهای معنادار تقسیم شد. بعد از تفکیک واحدهای معنادار، واحدهای مرتبط با موضوع نیز برگزیده شدند. در مرحله سوم معانی هر کدام از عبارت‌های مهم توضیح داده شد. در این مرحله سعی شد تا توضیح ارائه شده به این واحدها، برگرفته از خود متن باشد. پس از پایان فرآیند کدگذاری کامل متن، کدهای تکراری حذف و با تشکیل دسته‌بندی جدید، معانی

^۱ - Colaizzi

در پژوهش حاضر ۱۵ نوجوان مشارکت داشتند که از این تعداد ۸ نفر پسر (۵۳/۳۳٪) و ۷ نفر نیز دختر بودند (۴۶/۶۷٪). ۷ نفر از شرکت کنندگان در بازه سنی ۱۳-۱۵ (۴۶/۶۷٪)، ۴ نفر در بازه ۱۵-۱۷ (۲۶/۶۷٪) و ۳ نفر نیز در بازه سنی ۱۷-۱۹ (۲۰٪) قرار داشتند. ۱۱ نفر از مشارکت کنندگان در پژوهش یک یا دو نفر از اعضای درجه یک خانواده خود را از دست داده بودند (۷۳/۳۳٪) و ۴ نفر نیز تجربه سوگ اعضای خانواده خود را نداشتند (۲۶/۶۷٪).

همان گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد به منظور توصیف عمیق و غنی تجارب زیسته نوجوانان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه و با استفاده از روش تحلیل کلایزی ۸۳ کد اولیه (واحد معنایی)، ۴ مضمون اصلی (تم) و ۲۵ مضمون فرعی (مقوله) بدست آمد.

است، اطمینان حاصل شود. همچنین گزینش مصاحبه- شونده‌گان تا رسیدن به حد اشباع ادامه یافت و مناسب‌ترین واحدهای معنایی انتخاب شدند و در فرآیند کدگذاری، تنوع تجربیات مصاحبه‌شونده‌گان مدنظر قرار گرفت. علاوه بر این پژوهشگران در موارد لازم از سؤالات کمکی و هدایت‌کننده استفاده نمودند تا زمینه جامع بودن اطلاعات دریافتی فراهم شود. برخی از سؤالات پژوهش عبارت بودند از: ۱- در مورد تجربه خود از زلزله صحبت کنید. ۲- تصور ذهنی شما قبل از وقوع زلزله چگونه بود؟ ۳- بعد از تجربه زلزله زندگی شما چگونه شد؟ ۴- بعد از زلزله روابط بین اعضای خانواده شما چگونه شد؟ و ...

یافته‌ها

جدول ۱ مضامین اصلی و فرعی حاصل از تجارب زیسته نوجوانان با ترومای پس از سانحه ناشی از زلزله سرپل ذهاب

مضامین اصلی	مضامین فرعی
از هم پاشیدن ناگهانی زندگی	خسارت‌های مالی، تخریب و از بین رفتن محل سکونت و لوازم زندگی، تغییر ناگهانی در سبک زندگی، ناتوانی در سازگاری با شرایط زندگی جدید
مشکلات روانشناختی	آشفته‌گی‌های هیجانی، نشخوارهای فکری، احساس خشم و وحشت، احساس درماندگی، اختلالات خواب، ناتوانی در فراموشی واقعه زلزله، احساس بی‌پناهی، ترس شدید از تنها ماندن، نگرانی مکرر از وقوع مجدد زلزله
نابسامانی در کارکردهای ارتباطی (اجتماعی/خانوادگی)	آشفته‌گی در ساختار خانواده، گوشه‌گیری و انزوا، مشکلات بین فردی، احساس دل‌گسستگی و غریبگی در جمع، هراس اجتماعی، گرایش به مصرف الکل و مواد، خشونت‌های خانگی
چالش‌های مربوط به معنویت	مواجهه با مسئله مرگ، تغییر در باورها و ارزش‌های اخلاقی، تغییر نگرش در مورد معنای زندگی، احساس شفقت نسبت به همنوع، ترس از خشم خدا

از: از هم پاشیدن ناگهانی زندگی، مشکلات روانشناختی، نابسامانی در کارکردهای ارتباطی (اجتماعی/ خانوادگی) و چالش‌های مربوط به معنویت.

از هم پاشیدن ناگهانی زندگی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای حوادث طبیعی و به‌ویژه زلزله، از هم پاشیدن ناگهانی زندگی است. در واقع یکی از

تقریباً تمامی مصاحبه‌شونده‌گان در پژوهش به فرایندهایی اشاره نمودند که سبب‌ساز و تقویت‌کننده اختلال استرس پس از سانحه محسوب می‌شود. همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مضمون‌های اصلی کشف شده از تجارب زیسته نوجوانان با ترومای پس از سانحه عبارتند

شکل زندگی قربانیان را دگرگون می‌سازد. مشارکت-کننده شماره ۹ این گونه می‌گفت: «درست بعد از زلزله انگار که گذشت هم با اموال خاک میشه، تو دیگه آدم سابق نیستی، زلزله همه چی رو تغییر میده حتی نوع زندگی کردنت رو».

ناتوانی در سازگاری با شرایط زندگی جدید زیر مضمون فرعی دیگری بود که استخراج شد. فجایع را پدیده‌هایی بهت‌آور و ایجاد کننده شرایطی می‌دانند که در آن انگاره‌های عادی زندگی به طور ناگهانی به هم ریخته و قربانیان در درماندگی و ناتوانی فرو می‌روند. مشارکت-کننده شماره ۵ تجربه خود را این گونه توصیف می‌کرد: «سخت‌ترین کار ممکن بعد از زلزله کنار اومدن با شرایط به وجود اومده بود، الانم که الانه نتونستم مرگ خواهر و برادرمو فراموش کنم، کاش منم می‌مردم همون موقع».

مشکلات روانشناختی

یکی دیگر از مضامین اصلی کشف شده از تجارب زیسته نوجوانان با اختلال استرس پس از سانحه مشکلات روانشناختی بود. موقعیت فجایعی مانند زلزله موقعیت‌های فشار جمعی فراگیر هستند. در این موقعیت قربانیان در شوک از دست دادن عزیزان، خانه و زندگی خود هستند و فشارهای روانشناختی طاقت‌فرسایی را تجربه می‌کنند و همین امر بستری برای انواع مشکلات روانشناختی فراهم می‌کند که ممکن است با گذشت زمان نه تنها از شدت آن کاسته نشود بلکه به قوت خود تداوم یابد.

یکی از مضمون‌های فرعی مشکلات روانشناختی، آشفتگی‌های هیجانی بود. آشفتگی‌های هیجانی در گروه کودکان و نوجوانان بیشتر از گروه‌های بزرگسال بروز می‌کند و به شکل بی‌قراری، گریه و اندوه‌باری، واکنش‌های اجتنابی، کرختی در پاسخ به محرک‌ها و بی‌احساسی در درگیر شدن با دنیای بیرونی خود را نشان می‌دهد. مشارکت‌کننده شماره ۸ می‌گفت: «در ماه اول بعد از زلزله

چالش‌های مهم قربانیان اصلی زلزله مواجهه با این واقعیت تلخ است که خسارات مالی و جانی برگشت‌ناپذیرند، عزیزان از دست رفته دیگر هیچ‌وقت باز نخواهند گشت، تخریب‌های صورت گرفته در خانواده با گذشت ماه‌ها و سال‌ها پایدارند، فعالیت‌ها و مشاغل قبلی دیگر وجود ندارند و استانداردهای زندگی برای مدت‌های مدید و طولانی کاهش می‌یابد. در واقع می‌توان گفت اولین چالشی که زلزله‌زدگان با آن مواجه می‌شوند فروپاشی ناگهانی زندگی است. یکی از مضمون‌های فرعی کشف شده از هم‌پاشیدن ناگهانی زندگی، خسارات مالی در اثر فاجعه‌هایی مانند زلزله تخریب و از بین بردن زیر ساخت-های مادی و اقتصادی است که جبران این خسارات برای قربانیان زلزله بسیار سخت است.

مشارکت‌کننده شماره ۷ تجربه خود را این گونه بیان کرد: «کنار اومدن با این قضیه خیلی سخته که در یک چشم به هم زدنی هر چی که داری رو از دست بدی، گاهی وقتا به خودم میگم نکنه همه چی فقط یه خواب بوده، ولی افسوس...».

مضمون فرعی دیگر از هم‌پاشیدن ناگهانی زندگی، تخریب و از بین رفتن محل سکونت و لوازم زندگی است. یکی دیگر از عواقب فجایعی مثل زلزله ویران شدن خانه‌ها و از بین رفتن بخش بزرگی از لوازم داخل خانه است. مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گفت: «مگه میشه اونیکه زلزله رو تجربه نکره درک کنه ما چی کشیدیم، وقتی خونمون رو سرمون خراب شد هر چی داشتیم و نداشتیم زیر آوار دفن شد و ما موندیم و یه دست لباس پاره».

مضمون فرعی دیگر کشف شده تغییر ناگهانی در سبک زندگی است. فجایع در کوتاه‌مدت و بلندمدت باعث تغییرات ناگهانی در سبک زندگی قربانیان می‌شود؛ به عبارت دیگر فاجعه پدیده‌ای طبیعی با تغییراتی کلان است که فراتر از مرزهای طبقاتی، قومیتی و جنسیتی

من دیگه نمی‌تونستم گریه کنم، انگار همه چی معنای خودشو از دست داده بود، راستش الانم همینجوریم».

نشخوارهای فکری یکی دیگر از مضامین فرعی استخراج شده از مصاحبه‌ها بود. نشخوار فکری، افکاری مقاوم و عود کننده هستند که حول یک موضوع معمول دور می‌زند و مانع دستیابی به راه حلی مفید و کارآمد، برای مقابله با مشکلات و وقایع زندگی می‌شود. نوجوانان مشارکت کننده در پژوهش شدیداً درگیر نشخوارهای فکری مربوط به واقعه زلزله بودند و این استمرار شاید یکی از مهم‌ترین دلایل برای عدم پذیرش و سازگاری با شرایط زندگی جدید باشد. مشارکت کننده شماره ۱ می‌گفت: «حتی یک لحظه نبوده که به اون اتفاق (زلزله) فکر نکنم، مثل یه کرم تو سرمه و نمیتونم بهش فکر نکنم».

یکی دیگر از مضمون‌های فرعی مشکلات روانشناختی، احساس خشم و وحشت بود. یکی از عواقب فجایع احساس خشم مزمن نسبت به زندگی و احساس وحشت نسبت آن است که با نوعی بی‌اعتمادی نسبت به زندگی همراه است. تجارب مشارکت کنندگان در پژوهش نشان از وجود توأم احساسات خشم و وحشت بود که بیشتر حول این محور که زندگی بی‌رحم است، دور می‌زد. مشارکت کننده شماره ۴ می‌گفت: «دیگه به دنیا اعتماد ندارم، دیگه ازش می‌ترسم، اصلاً فکرش رو هم نمی‌کردم که اینقد دنیا بی‌رحم باشه، می‌دونید چقدر بچه‌های بی‌گناه و معصوم زیر آورها دفن شدن؟».

احساس درماندگی مضمون فرعی دیگری بود که مشارکت کنندگان در پژوهش مطرح کردند. فجایعی مانند زلزله که ناگهانی، پیش‌بینی ناپذیر و غیر قابل کنترل‌اند، موجب درماندگی و سردرگمی قربانیان می‌شوند. این احساس ممکن است مدت‌ها پس از فاجعه تداوم داشته باشد و به نوعی احساس درماندگی فراگیر

تبدیل شود و به کل عرصه‌های زندگی تعمیم یابد. مشارکت کننده شماره ۲ می‌گفت: «وقتی بابامو از زیر آوار کشیدن بیرون همینجوری مات و مبهوت داشتم به جسد خونیش نگاه می‌کردم، انگار هیچ چیز واقعی نبود و من دیگه نمیدونستم باید چیکار کنم، از اون زمان تا الان همین احساس باهام مونده».

از دیگر مضامین فرعی استخراج شده، اختلالات خواب است که مشارکت کنندگان در پژوهش گزارش کردند. از علائم روانشناختی فجایعی مانند زلزله مشکل در خواب رفتن و تداوم خواب و دیدن مکرر زلزله در خواب است که پس از واقعه شروع می‌شود و ممکن است مدت‌های مدید تداوم یابد. نوجوانان مشارکت کننده در پژوهش همچنان یکی از مشکلات اصلی که رنج فراوانی به آنان تحمیل می‌کند را مشکلات مربوط به خواب عنوان کردند. مشارکت کننده شماره ۱۵ می‌گفت: «شبا خوابم نمیره و وقتیم می‌خوابم تو خواب می‌بینم زلزله اومده و از خواب می‌پریم، شاید باور نکنید؛ ولی بعد از زلزله من حتی یه شبم نتونستم خوب بخوابم».

ناتوانی در فراموشی واقعه زلزله مضمون فرعی دیگری بود که کشف شد. فراموش کردن فجایعی مانند زلزله، بسته به شدت آسیب آن ممکن است تا آخر عمر در اذهان قربانیان باقی بماند و زندگی آنان را تا سال‌ها تحت تأثیر قرار دهد. قربانیان ممکن است با وجود تلاش نتوانند واقعه آسیب‌زا را فراموش کرده و حالتی خنثی به آن تجربه داشته باشند. مشارکت کننده شماره ۶ می‌گفت: «خیلی سعی می‌کنم که اون اتفاق رو فراموش کنم؛ ولی همیشه، هر چی بیشتر سعی می‌کنم بیشتر فکرم درگیرش میشه، نمیدونم ...، شاید هیچوقت نتونم بدون احساس ترس و وحشت به اون قضیه نگاه کنم».

یکی دیگر از مضامین فرعی مربوط به مشکلات روانشناختی احساس بی‌پناهی است. از دست دادن عزیزان

کارکردهای ارتباطی است. به این معنا که زلزله منشأ تغییرات کارکردی و ساختاری در جامعه است و این دگرگونی‌ها از زمره تغییرات تعادلی نیستند بلکه تغییری کارکردی در کل سازمان اجتماعی و یا بخش‌هایی از واحدهای تشکیل دهنده نظام اجتماعی هستند.

آشفستگی در ساختار خانواده یکی مضمون‌های فرعی استخراج شده است. زمانی که زلزله‌ای اتفاق می‌افتد، خانه‌ای خراب می‌شود و عزیزی از دست می‌رود کل ساختار خانواده دچار بحران می‌شود. همچنین بروز عواملی مانند فقر مادی، نبودن کار و منبع درآمد و نبودن مسکن نیز از جمله عوامل مؤثر در ایجاد آشفستگی در کل ساختار خانواده می‌باشند. مشارکت‌کننده شماره ۱۰ می‌گفت: «بعد از زلزله همه چیز تو خانواده‌مون تغییر کرد، دیگه هیچ چیز مثل سابق نبود، من گاهی وقتها احساس می‌کردم که وارد دنیای دیگه‌ای شدم».

گوشه‌گیری و انزوا مضمون فرعی دیگر مربوط به نابسامانی در کارکردهای ارتباطی است که از مصاحبه‌ها استخراج شد. در نتیجه آسیب‌های مالی، جسمانی و روانشناختی ناشی از زلزله روابط اجتماعی افراد نیز سلامت و شادابی اولیه خود را از دست می‌دهد و قربانیان بیشتر منزوی‌تر و گوشه‌گیرتر می‌شوند. مشارکت‌کننده شماره ۱ می‌گفت: «علاقه‌ای به حضور تو جمع ندارم و بیشتر ترجیح میدم دور و برم خلوت باشه».

مشکلات بین فردی مضمون فرعی دیگری بود که شناسایی شد. بدیهی است که وقایعی مانند زلزله با تحمیل فشارهای روانی شدید روابط بین فردی افراد را با چالش مواجهه کند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش عنوان می‌کردند که پس از زلزله کیفیت روابط بین فردی آنان کاهش یافته و شکیبایی کمتری در روابط اجتماعی از خود نشان می‌دهند. مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گفت:

و خسارات شدید مالی در فجایعی مانند زلزله به احساس بی‌پناهی منجر می‌شود. تقریباً تمامی نوجوانان مشارکت‌کننده در پژوهش احساس بی‌پناهی را به عنوان بخشی از تجارب زیسته خود مطرح کردند. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ می‌گفت: «هیچ وقت فکرش رو نمی‌کردم که این قدر بی‌پشت و پناه باشم، راستش مردم خیلی کمک کردن؛ ولی این احساس خیلی عمیق‌تر از ایناست...».

ترس شدید از تنها ماندن از دیگر مضامین فرعی استخراج شده از مصاحبه‌ها بود. فجایع می‌توانند هراس شدیدی در جامعه ایجاد کنند که یکی از مهم‌ترین این هراس‌ها ترس شدید از تنها ماندن است. اگر این فجایع و بلاها باعث مرگ عزیزان هم شود این احساس تقویت می‌شود و ممکن است مدت‌های طولانی به قوت خود باقی بماند. مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گفت: «نه فقط من بلکه همه اوایی که زلزله رو تجربه کردن این فکر مدام تو سرشون هست که نکنه عزیز دیگه‌ای رو از دست بدم و تنها تر از این شوم».

مضمون فرعی دیگر استخراج شده نگرانی مکرر از وقوع مجدد زلزله در مشارکت‌کنندگان است. یکی از عواقب روانشناختی غیر مترقبه و ناگهانی بودن فجایعی مانند زلزله در قربانیان، ترس و نگرانی شدید از وقوع مجدد زلزله در آینده نزدیک و یا دور است که با نوعی گوش به زنگی مداوم همراه است که باعث آشفستگی روانی و عدم امنیت خاطر می‌شود. مشارکت‌کننده شماره ۱۱ می‌گفت: «کی فکرشو می‌کرد سرپل به این روز بیافته؟ از کجا معلوم که دوباره این اتفاق رخ نده؟ این فکر که دوباره ممکنه زلزله بیاد خیلی آدمو آزار میده انگار که هیچ وقت خیالت راحت نیست که همه چی تموم شده».

نابسامانی در کارکردهای ارتباطی (اجتماعی / خانوادگی)
فاجعه‌هایی مانند زلزله فرایندی با اثرات مختلف هستند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ایجاد نابسامانی در

مشروبات الکی خوردم تا شاید یکم از این وضعیت فاصله بگیرم، من قبلاً اصلاً اهل دود نبودم؛ ولی الان سیگار می کشم». افزایش خشونت‌های خانگی مضمون فرعی دیگری بود که مصاحبه‌شوندگان به وفور عنوان می کردند. تجارب زیسته نوجوانان مشارکت کننده در پژوهش نشان می دهد که خشونت‌های خانگی به ویژه علیه کودکان و نوجوانان پس از زلزله افزایش داشته است. مشارکت کننده شماره ۶ می گفت: «بابام خیلی بد اخلاق شده، فکر می کنم تأثیر زلزله باشه چون قبلاً اینجوری نبود که سر هر موضوعی داد بزنه و کتک کاری کنه».

چالش‌های مربوط به معنویت

معنویت یکی از منابع درونی قدرتمند انسان برای مقابله با ناملایمات و چالش‌های زندگی است؛ به عبارت دیگر معنویت، باور به رشد و بالندگی انسان در راستای عبور از پیچ و خم‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی و تنظیم زندگی شخصی بر پایه تمرکز بر این باور است که به زندگی معنا می بخشد. در هنگام مواجهه با رخدادهایی مانند زلزله معنویت به عنوان ابزاری مقابله‌ای عمل می کند که فرد می تواند بر پایه آن تعادل خویش را حفظ نماید.

یکی از مضامین فرعی معنویت، مواجهه با مسئله مرگ بود که در این پژوهش شناسایی شد. افرادی که گرفتار بلایای طبیعی می شوند و شاهد مرگ دیگران هستند و مرگ را در یک قدمی خود احساس می کنند ممکن است به دیدگاهی جدید در مورد مرگ برسند. نوجوانان مشارکت کننده در این پژوهش در بیانات خود به وفور به مسئله مرگ و مفهوم آن اشاره داشتند. مشارکت کننده شماره ۱۱ می گفت: «در یک روز و در یک چشم به هم زدنی شاهد مرگ پدر و خواهرم بود، بعضی وقتها به خودم می گم مرگ چقدر به ما نزدیکه، از اون روز هیچوقت نزدیکی مرگ رو فراموش نکردم».

«قبل از زلزله آدم صبوری بودم و به راحتی می تونستم روابط خودم رو با دیگران کنترل کنم؛ اما الان عوض شدم و روابطم دچار مشکل شده تا جایی که ترجیح میدم هیچ ارتباطی نگیرم و اینجوری اعصابم آرومتره».

مضمون فرعی دیگر مربوط به نابسامانی در کارکردهای ارتباطی، احساس دل گسستگی و غریبگی در جمع بود که از مصاحبه‌ها استخراج شد. نوجوانان مشارکت کننده عنوان می کردند که تمایل و انگیزه خود برای شرکت در جمع‌های مختلف را از دست داده‌اند و در واقع به نوعی از حضور در اجتماعات مختلف دلزده شده‌اند و خود را متعلق به هیچ مجموعه‌ای نمی دانند. مشارکت کننده شماره ۱۲ تجربه خود را این گونه بیان می کرد: «وقتی وارد جمع میشم احساس می کنم متعلق به اونجا نیستم و دوست دارم از جمع خارج بشم، من بیشتر تنهایی رو ترجیح می دم».

هراس اجتماعی از دیگر مضمون‌های فرعی شناسایی شده است. فاجعه‌هایی مانند زلزله می توانند موجب شکلی از رفتار توده‌ای به نام هراس اجتماعی شوند. بدین معنا که با از بین رفتن حصارها و دیوارهای خانه‌ها یک نوع احساس هراس و عدم امنیت در بازماندگان ایجاد می شود. مشارکت کننده شماره ۵ می گفت: «اوضاعمون خیلی افتضاح بود، همش می ترسیدیم که اون چیزایی که برامون باقی مونده رو بدزدن».

مضمون فرعی گرایش به مصرف الکل و مواد از دیگر مضامین فرعی شناسایی شده در این پژوهش بود. مصرف الکل و مواد پس از رخدادهای استرس‌زا به عنوان مکانیسمی ناپخته برای فراموش کردن و یا کاهش فشار ناشی از واقعه قلمداد می شود. افراد مشارکت کننده از تمایل خود برای مصرف مواد و الکل پس از وقوع زلزله می گفتند. مشارکت کننده شماره ۱۰ می گفت: «بارها

نبودن... اما بعد زلزله فهمیدم که چقدر همون آدمای تونن دوست داشتنی باشن و خدا رو شکر می‌کنم که هستن».

ترس از خشم خدا مضمون فرعی دیگر کشف شده در ارتباط با چالش‌های مربوط به معنویت بود. یک دیدگاه رایج در بین اغلب مردم جوامع سنتی وجود دارد که حوادث و بلایای طبیعی را ناشی خشم خدا می‌دانند. نوجوانان شرکت‌کننده در پژوهش عنوان می‌کردند که احتمالاً زلزله به علت خشم خدا از آنهاست که این‌گونه آنان را بخاطر گناهانشان تنبیه کرده است. نوجوان شماره ۲ می‌گفت: «خدا از یکی عصبانی بشه بلایی سرش میاره که تا آخر عمر نتونه فراموش کنه، البته اگه اون آدم زنده بمونه، راستش الان خیلی بیشتر از خدا می‌ترسم».

بحث

پژوهش پیش رو با هدف بررسی تجارب زیسته نوجوانان با اختلال استرس پس از سانحه ناشی از زلزله سرپل ذهاب انجام گرفت. براساس نتایج بدست آمده اولین مضمون اصلی کشف شده از هم پاشیدگی ناگهانی زندگی بود. مشارکت‌کنندگان در پژوهش مهم‌ترین بحران پس از وقوع زلزله که مدت‌های نسبتاً طولانی نیز استمرار داشته را به مواجهه با چالش‌هایی مانند: خسارت‌های مالی، تخریب و از بین رفتن محل سکونت و لوازم زندگی، تغییر ناگهانی در سبک زندگی و ناتوانی در سازگاری با شرایط زندگی جدید مربوط دانستند. در پژوهش مشابهی سلیمی و نادری (۱۳۹۹) به مطالعه تجربه زیسته زنان سرپل ذهاب در زلزله پرداختند که یکی از مضامین کشف شده در مطالعه آنان نیز مواجهه با چالش فروپاشی ناگهانی زندگی بود. در پژوهش مشابه دیگری پینو، پلوسی، آرتونی و ماری^۱ (۲۰۲۱) به بررسی

تغییر در باورها و ارزش‌های اخلاقی از دیگر مضامین فرعی مربوط به معنویت بود که مشارکت‌کنندگان در پژوهش آن را تجربه می‌کردند. فردی که شاهد بلایی مثل زلزله هست و چهره خشن و بی‌رحم زندگی را به صورت ملموس تجربه می‌کند در مقایسه با فردی که چنین تجربیاتی ندارد بیشتر امکان دارد که به نگرشی جدید در باورها و ارزش‌های اخلاقی برسد. مشارکت‌کننده شماره ۳ می‌گفت: «بعد از زلزله متوجه شدم که هیچ چیز مثل یک باور و ایمان قلبی نمی‌تونه ازت در مقابل این فشارها محافظت کنه، بعد زلزله فهمیدم که چقدر به این ایمان نیاز دارم و شروع کردم به حرکت کردن در این مسیر».

از دیگر مضامین مرتبط با معنویت، تغییر نگرش در مورد معنای زندگی بود که استخراج شد. نوجوانان مشارکت‌کننده در پژوهش اظهار می‌کردند که همواره با این چالش که زندگی چیست؟ مواجه بوده‌اند و نگرشی جدید نسبت به دنیا پیدا کرده‌اند. مشارکت‌کننده شماره ۱۲ می‌گفت: «بعد از اینکه زلزله همه جا رو خراب کرد می‌رفتم داخل شهر قدم می‌زدم و با دیدن خونه‌های خراب شده و مردم سرگردان به خودم می‌گفتم وقعا معنای این زندگی چیه؟ ما اصلاً برای چی زنده‌ایم؟».

احساس شفقت نسبت به هم‌نوع مضمون فرعی دیگری بود که کشف شد. شفقت به معنای درک همدلانه و عمیق دیگران است. افرادی که تجارب مشترکی دارند احساس شفقت بیشتری نیز نسبت به همدیگر نشان می‌دهند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش عنوان می‌کردند که پس از زلزله احساس همدلی، نوع دوستی و نزدیکی عاطفی بیشتری نسبت به دیگران داشتند. برای مثال مشارکت‌کننده شماره ۶ می‌گفت: «قبل از زلزله از خیلیا بدم می‌ومد و راستش بعضی وقتا دعا می‌کردم که ای کاش اصلاً اونا

^۱ - Pino, Pelosi, Artoni & Mari

پیامدهای بلندمدت پس از سانحه در بازماندگان زلزله ۲۴ آگوست ۲۰۱۶ ایتالیا پرداختند، نتایج پژوهش آنان نشان داد که گروه سنی نوجوان در مقایسه با گروه بزرگسال بیشتر آسیب پذیر بوده و بحران ناشی از فروپاشی زندگی و از دست دادن خانه یکی از علائم افراد مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه گزارش شد. از دیگر پژوهش‌های همسو با این یافته می‌توان به پژوهش‌های حبیب پورکتابی (۲۰۱۸) و پژوهش بوکیل^۱ (۲۰۰۹) اشاره نمود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که فجایعی مانند زلزله یک فشار اجتماعی و روانشناختی بزرگی را برای قربانیان به بار می‌آورد که علاوه بر درهم شکستن انگاره‌های متعارف زندگی و کنش‌های اجتماعی، آسیب‌ها و خسارات جبران‌ناپذیر مالی مانند: از بین بردن محل و لوازم ضروری زندگی را نیز با خود به همراه دارد که موجب برهم زدن تعادل ارگانسیم انسانی می‌شود و نیازها و سبک‌های جدید زندگی را رقم می‌زند که سازگاری با آن‌ها ممکن است برای قربانیان بسیار سخت باشد و آنان را از ارائه پاسخ‌های معمول و منظم ناتوان سازد (پینو و همکاران، ۲۰۲۱).

دومین مضمون اصلی مشکلات روانشناختی بود که استخراج شد. نوجوانان شرکت‌کننده در پژوهش در مصاحبه‌های خود مشکلات روانشناختی که در اثر وقوع زلزله شکل گرفته بودند را به عنوان یکی دیگر از بحران‌ها و چالش‌های خود مطرح کردند. این مشکلات شامل: آشفتگی‌های هیجانی، نشخوارهای فکری، احساس خشم و وحشت، احساس درماندگی، اختلالات خواب، ناتوانی در فراموشی واقعه زلزله، احساس بی‌پناهی، ترس شدید از تنها ماندن و نگرانی مکرر از وقوع مجدد زلزله بود. همسو

با این یافته وانگ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی علائم اختلال استرس پس از سانحه در نوجوانان زلزله زده چینی با نقش واسطه‌ای مشکلات خواب و تاب‌آوری پرداختند که نتایج پژوهش آنان نشان داد که قرار گرفتن در معرض زلزله به‌طور قابل توجهی با علائم اختلال استرس پس از سانحه همراه است و مشکلات خواب و تاب‌آوری نقشی واسطه‌ای بین قرار گرفتن در معرض زلزله و اختلال استرس پس از سانحه ایفا می‌کند. در پژوهش دیگری محمدی و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند که نوجوانان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه ناشی از زلزله بم مشکلات روانشناختی مانند: اضطراب، افسردگی، خشم و تجزیه را تجربه می‌کنند. همچنین یافته‌های پژوهش گرین^۲ (۱۹۹۱) نشان داد که مشکلات روانشناختی مانند: اضطراب و افسردگی از جمله نشانه‌های همراه با اختلال استرس پس از سانحه است. از دیگر پژوهش‌های همسو با این یافته می‌توان به پژوهش‌های سلیمی و نادری (۱۳۹۹) و پژوهش اشپیگر و گورنمونت^۳ (۱۹۹۸) اشاره نمود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بلایای طبیعی و به‌ویژه زلزله نه تنها بافت اجتماعی منطقه را تخریب می‌کند بلکه بر روان افراد نیز اثرات نامطلوب فراوانی بر جای می‌گذارد که ممکن است تا سال‌های متمادی ادامه داشته باشد. تجربه از بین رفتن زندگی، مرگ عزیزان، آسیب‌های جسمانی، از هم گسستگی بافت و نظم اجتماعی، آوارگی، از بین رفتن شبکه‌های ارتباطی و از هم پاشیدن تعاملات معمول اجتماعی فشار روانی بسیار سنگینی بر قربانیان و به ویژه گروه سنی کودک و نوجوان وارد می‌آورد که موجب ایجاد انواع مشکلات روانشناختی مانند احساس یأس و ناامیدی،

^۲- Green

^۳- Spiegler & Guerenmont

^۱- Bokil

مثال با از بین رفتن خانه یا مرگ یکی از اعضای خانواده شرایط و نقش‌های ناخواسته و غیر قابل پیش‌بینی جدیدی برای فرد رقم می‌خورد که تاکنون تجربه و تصویری از آن نداشته است؛ بنابراین پاسخ‌های افراد به این شرایط جدید غالباً ناسازگارانه و منفعلانه است و ممکن است او برای گریز از این شرایط به مکانیسم‌های ناپخته‌ای مانند: قطع ارتباط و انزوا، خشم و پرخاشگری در روابط و گرایش به مصرف الکل و مواد مخدر روی آورد.

چهارمین مضمون اصلی چالش‌های مربوط به معنویت است. نوجوانان مشارکت‌کننده در پژوهش گزارش کردند که پس از وقوع زلزله چالش‌های معنوی متعددی مانند: مواجهه با مسئله مرگ، تغییر در باورها و ارزش‌های اخلاقی، تغییر نگرش در مورد معنای زندگی، احساس شفقت نسبت به هم‌نوع و ترس از خشم خدا را تجربه نموده‌اند. همسو با این یافته حیدری ساربان (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان داد بین معنویت با آسیب‌های پیرامون زلزله در زلزله‌زدگان شهرستان ورزقان رابطه معنادار وجود دارد. گودرزی، شفیعی و تاریخی (۱۳۹۰) در پژوهش مشابه دیگری گزارش کردند که باورها و نگرش‌های مذهبی می‌تواند در کاهش علائم عاطفی اختلال استرس پس از سانحه ناشی از زلزله اثرگذار باشد؛ اما بر علائم خودآیند آن تأثیری ندارد. دیگر پژوهش‌های همسو با این یافته می‌توان به پژوهش آتن^۱ (۲۰۱۳) و پژوهش پوند^۲ (۲۰۱۳) اشاره نمود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که ضعف معنویت می‌تواند بر مشکلات داغدیدگان بی‌افزاید. معمولاً اندوه و خشم نسبت به طبیعت از پیامدهای شایع پس از بلایای طبیعی است. این خشم و اندوه شدید ممکن است به صورت اعتراض به

احساس درماندگی، ترس و وحشت، اختلالات خواب و ... در قربانیان می‌شود (انبری، ۲۰۱۴).

سومین مضمون اصلی کشف شده نابسامانی در کارکردهای ارتباطی (اجتماعی / خانوادگی) بود. بدین معنا که نوجوانان شرکت‌کننده در پژوهش در مصاحبه‌های خود نابسامانی و برهم خوردن توازن در ارتباطات و روابط اجتماعی و خانوادگی قبلی خود را از دیگر پیامدهای زلزله برشمردند. این مضمون شامل: آشفتگی در ساختار خانواده، گوشه‌گیری و انزوا، مشکلات بین فردی، احساس دل‌گسستگی و غریبگی در جمع، هراس اجتماعی، گرایش به مصرف الکل و مواد و خشونت‌های خانگی بود. در پژوهش مشابهی کارمسی و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که افراد مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه ناشی از زلزله اختلالات ارتباطی زیادی را در زندگی خانوادگی و اجتماعی خود تجربه می‌کنند. در پژوهش دیگری وانگ و همکاران (۲۰۲۱) دریافتند که افراد زلزله‌زده مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه نابسامانی‌های زیادی در روابط بین فردی و درون فردی خود تجربه می‌کنند. از دیگر پژوهش‌های همسو با این یافته می‌توان به پژوهش هوری و همکاران (۲۰۲۱) اشاره کرد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که یکی از پیامدهای زلزله که سازگاری با آن نیز بسیار دشوار است ایجاد آشفتگی و برهم زدن کارکردهای ارتباطی اعم از اجتماعی و خانوادگی است. بدین معنا که زلزله شیوه‌های مرسوم ارتباطی را درون ساختار خانواده و جامعه تغییر می‌دهد و شرایطی جدید را در روابط افراد به وجود می‌آورد که ممکن است افراد نتوانند در این ساختار ارتباطی جدید، کنش‌های ارتباطی معمول خود را حفظ کنند و در نتیجه در روابط خود دچار اختلال‌های جدی شوند. برای

^۱- Aten

^۲- Pond

ویروس کووید-۱۹ محدودیت دیگری بود که پژوهش حاضر با آن روبرو بود. پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر با روش‌های پژوهش دیگر و در گروه‌های سنی مختلف انجام گیرد.

سپاسگزاری

از کلیه شرکت کنندگان در پژوهش همچنین از مدیریت و عوامل اداره آموزش و پرورش شهرستان سرپل ذهاب کمال تشکر و قدردانی را دارم. این پژوهش با همکاری دانشگاه کردستان انجام و پرو نامی به شماره ۰۰/۱۴/۲۸۰۱۳ مورد تأیید معاونت پژوهشی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفت؛ و هیچ‌گونه تضاد منافی در آن وجود ندارد.

References

- American Psychiatric Association. [Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-IV)]. 4th ed (1994). Naenian MA, Madahi MA, Allahyari A, Biabangard A. (translators). Tehran: Shahed, Tehran, Iran.
- Anbari M. (2014). *Sociology of Disaster*. Tehran: Tehran University. (In Persian)
- Aten JD. (2013). Disaster spiritual and emotional care in professional psychology: A Christian integrative approach. *Journal of Psychology and Theology*, 4(1), 131-135.
- Bokil M. (2009). *Gender Issues in Disaster Management*. Field Representative. Oxfam-Community Aid Abroad . Pune (India). Maharashtra.
- Carmassi C, Dell'Oste V, Barberi F, Pedrinelli V, Cordone A, Cappelli A, Dell'Osso L. (2021). Do somatic symptoms relate to PTSD and gender after earthquake exposure? A cross-sectional study on young adult survivors in Italy. *CNS Spectrums*, 26(3), 268-274.
- Carmassi C, Dell'Oste V, Bertelloni CA, Foghi C, Diadema E, Mucci F, Massimetti G, Rossi A,

عدالت الهی و یا ترس از خشم الهی خود را نشان داده و در ساختار ارزش‌ها و باورهای اخلاقی فرد تأثیر گذارد (حیدری‌ساربان، ۱۳۹۹). در عین حال معنویت قوی توان تاب‌آوری افراد در مواجهه با بلایا را افزایش و فشار ناشی از داغدیدگی را کاهش می‌دهد؛ به عبارت دیگر افراد با سطح بالای معنویت نسبت به حقایق دردناک زندگی مانند: بلایا، بیماری و فقدان نگرشی واقع‌بینانه دارند و این رخدادها را به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر زندگی پذیرفته‌اند و در مواجهه با آن از نظر هیجانی کمتر متأثر شده و واکنش‌های پخته‌تری نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری

شهرستان سرپل ذهاب به عنوان جامعه هدف این پژوهش آسیب‌های فراوانی در بحران زلزله به خود دید. و آسیب‌پذیری گروه سنی کودکان و نوجوانان این شهر نیز در این زلزله کاملاً مشهود بود؛ بنابراین کسب آگاهی و بینش در مورد کم و کیف این آسیب‌پذیری و زمینه‌های ایجاد و تداوم آن اهمیت و ضرورت انجام پژوهش در این زمینه را نشان می‌دهد. پژوهش حاضر در قالب یک مطالعه کیفی با روش پدیدارشناختی با دسته‌بندی و استخراج کدهای توصیفی، تفسیری و نیز تبیینی انجام گرفت. پس از انجام مصاحبه با مشارکت کنندگان چهار مضمون اصلی: از هم پاشیدگی ناگهانی زندگی، مشکلات روانشناختی، نابسامانی در کارکردهای ارتباطی (اجتماعی / خانوادگی) و چالش‌های مربوط به معنویت بدست آمد. روش پژوهش کیفی با وجود مزایای زیاد این محدودیت را نیز دارد که دیدگاه‌های مصاحبه‌کننده ممکن است نتایج پژوهش را تا حدودی تحت تأثیر قرار دهد. همچنین دسترسی به نمونه‌ها در شرایط پاندمی

- Dell'Osso L. (2020). Disrupted Rhythmicity and Vegetative Functions Relate to PTSD and Gender in Earthquake Survivors. *Frontiers in Psychiatry*, 11(1664), 1050-1069.
- Colaizzi PF, Valle RS, King M. (1978). Existential phenomenological alternatives for psychology. *Psychological research as the phenomenologist views it*, 48-71.
- Elyasi F. (2019). Exploring the most important Social issues of Sarpol-e- Zahab. *Dashtestan: Hamon no.* (In Persian)
- Goenjian A, Steinberg A, Walling D, Bishop S, Karayan I, Pynoos R. (2021). 25-year follow-up of treated and not-treated adolescents after the Spitak earthquake: Course and predictors of PTSD and depression. *Psychological Medicine*, 51(6), 976-988.
- Goodarzi MA, Shafiei F, Tarikhi AR. (2011). The relationship between religious attitude and the symptoms of post traumatic stress disorder in people who experienced the Bam earthquake. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 13(2), 182-193. (In Persian)
- Green L. (1991). Evaluation the effects of disasters. *American Journal of Psychological Assessment*, 41, 538-540.
- Heidari Sarban V. (2020). Explaation of Sprituality Relation with Improvement of Villagers Resiliency Regarding Earthquake Crisis, Case Study: Varzeghan County. *Journal of Spatial Planning*, 24(3), 170-200. (In Persian)
- Hori A, Sawano T, Ozaki A, Tsubokura M. (2021). Exacerbation of Subthreshold PTSD Symptoms in a Great East Japan Earthquake Survivor in the Context of the COVID-19 Pandemic. *Case Reports in Psychiatry*, 14(9), 172-199.
- Kilic C, Ulusoy M. (2003). Psychological effects of the November 1999 earthquake in Turkey. An epidemiological study, *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 108(9), 232-238.
- Mohamadi L, Mohamadkhani P, Dolatshahi B, Golzari M. (2010). Posttraumatic Stress Disorder Symptoms and their Comorbidity with Other Disorders in Eleven to Sixteen Years Old Adolescents in the City of Bam. *Iranian Journal of Psychiatry Clinical Psychology*, 16 (3), 187-194. (In Persian)
- Nishtha S, Bajju G. (2021). Psychological Problems among Children Three Years after the Earthquake in Nepal. *Journal of Indian Association for Child & Adolescent Mental Health*, 17(2), 12-34.
- Pino O, Pelosi A, Artioni V, Mari M. (2021). Post-Traumatic Outcomes among Survivors of the Earthquake in Central Italy of August 24, 2016. A Study on PTSD Risk and Vulnerability Factors. *Psychiatric Quarterly*, 3(18), 212-232.
- Pond MF. (2013). Investigating climbing as a spiritual experience. MSc thesis in recreation and sport sciences. Ohio: faculty of The Patton College of Education, Ohio University, Ohio.
- Sadock B, Ruiz P. (2015). *Kaplan & Sadock's synopsis of psychiatry: behavioral sciences*. Walters Kluwer.
- Salimi M, Naderi A. (2020). Study of Women's Lived Experiences of Earthquake in Sarpol-e-Zahab. *Quarterly Journal of Social Sciences of Allameh Tabataba'i University*, 27(88), 217-251. (In Persian)
- Spiegler M, Guerenmont D. (1998). *Contemporary behavior therapy*. New York: ITP, 269-271.
- Wang S, Shi X, Chen X, Zhu Y, Chen H, Fan F. (2021). Earthquake Exposure and PTSD Symptoms Among Disaster-Exposed Adolescents: A Moderated Mediation Model of Sleep Problems and Resilience. *Frontiers in psychiatry*, 12(4), 577328.
- Zhou X, Wu X. (2021). Shared or unique trajectories of PTSD and depression in children over time since an earthquake. *Clinical Child Psychology and Psychiatry*.